

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۶

جوانی امام، آزمون دشوار طلیعه ظهر

مصطفی ورمزیار^۱

مرضیه ورمزیار^۲

سید محمدرضی آصف آگاه^۳

چکیده

مطابق روایات، امام زمان ع هنگام ظهور چهره‌ای جوان دارد که سی تا چهل ساله می‌نماید. در دنیایی که جوانان در تصمیم‌گیری‌های کلان، جایگاهی ندارند و در سطح پایین تراز آن نیز گاهی کمتر به مشورت گرفته می‌شوند، چگونه است که یک جوان در این سن، مورد اقبال عمومی قرار خواهد گرفت و حکومت جهانی تشکیل خواهد داد؟ این پرسش در آستانه ظهور و به مجرد رؤیت سیماهی جوان امام عصر ع به شکل پررنگ‌تری مطرح می‌گردد و انکار و تمذّد برخی را درپی خواهد داشت. این تحقیق با روش استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نوشتاری و رویکرد توصیفی - تحلیلی، پس از اثبات جوانی آن حضرت در هنگامه ظهور با استفاده از روایات و تعیین محدوده سنی ایشان بین سی تا چهل سال، چگونگی این آزمایش را تبیین نموده و با تقسیم مسئله به دو پرسش، به ارائه راهکار، جهت بروز رفت از آن‌ها، می‌پردازد. برای سؤال از توانایی جوان در اداره جهان، باور به وعده الهی، توجه به سنت الهی امتحان به حاجت درستین مختلف وجود موارد مشابه، توجه به شأن و عظمت امام مهدی ع و توجه به سن واقعی امام مهدی ع را پیشنهاد می‌دهد و شبهه جوان ماندن امام پس از عمر طولانی

۱. کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن (نویسنده مسئول) (mova277@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری اخلاق دانشگاه معارف اسلامی قم.

۳. سطح ۴ حوزه علمیه قم و محقق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم.

را، از طریق توجه به اطلاع رسانی‌ها و روایات هشدار دهنده، ایمان و باور به قدرت الهی و یادآوری عهد میناق در کنار راهکارهای پیشنهاد شده در پرسش نخست، حل و مرتفع می‌سازد.
این تحقیق جز در بخش امامت در کودکی، پیشینه دیگری ندارد.

واژگان کلیدی

امام مهدی^{علیه السلام}، جوان، جوانی امام، ظهور، امتحان‌های عصر ظهور.

مقدمه

خداآوند تبارک و تعالی برای هدایت بشر، از آغاز خاقت تا هنگامه رستاخیز، پیشوایانی قرارداده است و مردمان را ملزم به اطاعت از ایشان کرده است (نساء: ٦٤). گاهی برای جدا سازی خط ایمان و اطاعت از تمرد و نفاق، آزمایش‌های دشواری قرار می‌دهد. امتحان و تمحیص از سنت‌های الهی هستند، از جمله این امتحانات که تکرار آن در ادیان گذشته و در اسلام نشان دهنده این حقیقت است که از سنت‌های الهی بوده است؛ آزمایش مردم به لزوم اطاعت از پیامبر و یا امام کم سن و سال است (کلینی، ١٣٦٣ش: ج ١، ٣٨٢). خداوند با این آزمایش، دیر باوران را به چالش می‌کشاند به گونه‌ای که از پذیرش حجت خردسال سرباز زنند و تنها مؤمنان خالص نجات پیدا کنند. این سنت الهی در خصوص امام مهدی^{علیه السلام}، در دو مرحله انجام گرفته و می‌گیرد؛ مرتبه نخست هنگام شهادت پدر؛ در سال ٢٦٠ق و آغاز امامت آن حضرت؛ در سن پنج سالگی رخ داده است و مرحله دوم در آستانه ظهور و پدیدار شدن آن جناب در شمایل جوانی ٤٠ – ٣٠ ساله واقع خواهد شد؛ البته سؤال از کودکی و جوانی حجت خدا، به پرسش از توانایی وی در هدایت و رهبری جامعه بازگشت دارد، پژوهش حاضر، درباره مرحله دوم این آزمایش است که در زمان ظهور به وقوع می‌پیوندد.

جوانی امام زمان^{علیه السلام} هنگام ظهور

امام مهدی^{علیه السلام} در آغاز قیام با چهره‌ای جوان ظاهر می‌شود، روایات مربوط به توصیف چهره و شمایل ایشان هنگام ظهور سه دسته‌اند:

دسته اول بیان‌کننده اصل جوانی ایشان با واژگانی همچون شاب، شاب حدث، شاب موفق، شاب غرنوق، شاب حزور، شرخ الشباب و فتی موفق است که اگرچه به سن خاصی اشاره نمی‌کنند؛ اما می‌توان در یک جمع‌بندی، محدوده تقریبی آن را مشخص نمود.
گروه دوم سن آن حضرت را به صورت تقریبی بیان کرده و آن را بین سی تا چهل سال

می‌دانند.

و بالاخره طایفه سوم به شکلی دقیق، سن آن حضرت را اعلان می‌دارند.

الف) روایات اصل جوانی در هنگام ظهور بدون تعیین سن

شاب

این واژه به صورت انفرادی در دو روایت یکی شیعی (نجفی، ۱۴۲۰ق: ۳۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ۳۸۴) و دیگری از اهل سنت (الدانی، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ۱۰۳۸) ذکر شده است؛ ماده «شبب» در لغت، دلالت بر رشد و قوت می‌کند و از این رو به جوانی که رشد کرده و قوی شده، «شاب» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۱۷۷) نیز به جوان در مقابل پیر بدون تعیین سن خاصی، «شاب» اطلاق می‌گردد (جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۵۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۴۸۰).

طبق گزارش مجمع البحرين در فرهنگ روایی، به سن ۳۰ سال، «شاب» گفته می‌شود (طربیخی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ۴۷۴) و در روایات تعیین سن امام مهدی ع نیز کلمه «شاب»، در کنار سن چهل سال و کمتر (صدقو، ۱۴۰۵ق: ج ۶۵۲ و ۳۱۵) قرارداده شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مراد از واژه «شاب» در مورد امام عصر ع، محدوده سنی بین سی تا چهل سال است.

شrix الشباب

این واژه در یک روایت شیعی وارد شده (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۱؛ نجفی، ۱۴۲۰ق: ۳۳۰) و از جهت لغت به معنی ابتدای جوانی (خلیل الفراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۱۶۹؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۲۴) یا قوت و جذب جوانی است (ابن أثیر، ۱۳۶۴ق: ج ۲، ۴۵۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ۲۹). و بنابر معنی دوم می‌توان آن را براواخر جوانی و سن ۳۰ - ۴۰ سال حمل کرد.

شاب حدث

این واژه در یک روایت شیعی ذکر شده است (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۴۳)؛ اگرچه لغت «شاب» به جوان در مقابل پیر، بدون تعیین سن خاصی اطلاق می‌گردد؛ اما هنگامی که این واژه در کنار لفظ «حدث» قرار می‌گیرد، سن را محدود به ابتدای جوانی می‌کند (خلیل الفراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ۱۳۲).

شاب موفق

این لفظ در سه روایت شیعی آمده است. (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۲۰) و (نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ۱۹۴) - (مقدسی، ۱۴۱۶ ق: ۶۹)، واژه «موفق» در بردارنده مفهوم رشد (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق: ۱۰، ۳۸۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ج ۱۳، ۴۸۷) و تناسب اعضاء (طريحی، ۱۴۰۸ ق: ج ۴، ۵۲۷) است و هنگامی که همراه کلمه «شاب» بکار رود، به معنی جوانی است که به رشد کامل و تناسب اعضاء رسیده باشد. علامه مجلسی نیز در توضیح واژه می‌گوید:

شاید منظور از موفق، کسی باشد که اعضاش متوافق بوده و خلقتش به اعتدال رسیده باشد و یا منظور کسی است که به میان سالی رسیده و جوانی اش رو به اتمام است زیرا در این سن است که انسان توفیق تحصیل کمالات را پیدا می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۲، ۲۸۷).

شاب مریوع

این واژه تنها در یک روایت ظاهراً شیعی آمده است (فتال نیشاپوری، بی‌تا: ۲۶۶؛ قاضی نعمان مغربی، بی‌تا: ج ۳، ۵۶۵؛ مفید، ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ۳۸۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۷۰). مربوط، در لغت دارای دو معنی است یکی ابتدای جوانی (ابن منظور، ۱۴۰۵ ق: ج ۸، ۱۰۶) و دیگری شخص مستوی الخلقة که نه کوتاه قد است و نه بلند قد (خلیل الفراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ج ۲، ۱۳۳؛ جوهری، ۱۴۰۷ ق: ج ۳، ۱۲۱۴). بنابر معنای اول، آن حضرت هنگام ظهور در سنین آغازین جوانی ترسیم می‌شود؛ و بنابر معنای دوم، علاوه بر اشاره به جوانی حضرت، به قد و قامت ایشان نیز اشاره دارد.

شاب حزور

این واژه در نسخه بدل یک روایت شیعی وارد شده است (حلی، ۱۳۷۰ ق: ۱۸۲ - ۱۷۸). برای «شاب حزور» در لغت، دو معنا بیان شده است؛ یکی حاکی از عنفوان بلوغ است (ابن أثیر، ۱۳۶۴ ق: ج ۱، ۳۸۰) و دیگری به معنای جوان دارای قوت بدنی (جوهری، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ۶۲۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ ق: ج ۴، ۱۸۶) و کمال عقلی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ج ۲، ۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ ق: ج ۴، ۱۸۶) و بنابر معنای دوم با روایات دیگر قابل جمع است و قابل حمل بر ابتدای جوانی نخواهد بود زیرا قوت بدنی و فکری در سن حدود سی تا چهل سال حاصل خواهد شد.

شاب غرفون

این کلمه در نسخه بدل یک روایت شیعی آمده است (خصیبی، ۱۴۱، ۳۹۶ - ۳۹۲) و از جهت لغت دارای دو معنا است؛ یکی در معنای تمام و تمام (فیروزآبادی، بی‌تا: ج ۳، ۲۷۲؛ زبیدی، ۱۴۱، ۳۷۶، ۱۳) و دیگری زیبا و دلشیز است (خلیل الفراہیدی، ۱۴۰، ۴؛ ج ۴۵۸؛ جوهری، ۱۴۰، ۷؛ ج ۴، ۴۳۲؛ ابن فارس، ۱۴۰، ۴؛ ابن أثیر، ۱۳۶، ۴؛ ج ۳، ۴۵۸) و بنابر معنای تمامیت، مربوط به بحث سن و بیان کننده دوران میانه جوانی و محدوده سنی سی تا چهل سال است.

لا يؤخذ له بالركاب

این واژه نیز در دو روایت شیعی (قاضی نعمان مغربی، بی‌تا: ج ۳، ۳۷۹ - ۳۸۰)^۱ و (إثبات الوصیة : ۲۲۳ به نقل از کورانی، ۱۴۱، ۳۹۰) وارد شده است و با توجه به فضای روایت که معصوم علیه السلام، سن خود را با جوانی امام مهدی علیه السلام مقایسه می‌کند؛ عبارت «لا يؤخذ له بالركاب»، کنایه از جوانی و قدرت امام مهدی علیه السلام است؛ به این معنی که ایشان، جهت سوار شدن بر مرکب، نیازمند کمک نیست. از این واژه نیز سن جوانی تا میان سالی برای آن حضرت متصور می‌شود.

ليس في رأسه ولا لحيته طاقة بيضاء

این واژه در یک روایت شیعی بیان شده (قاضی نعمان مغربی، بی‌تا: ج ۳، ۳۸۰) و کنایه از جوانی آن حضرت است و با روایات تعیین کننده سن ایشان تعارضی ندارد.

مجموع روایات این قسمت، به یازده می‌رسد که با تعبیر مختلف به این واقعیت اشاره دارند که حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور دارای شمايل جوان است.

ب) روایات تعیین تقریبی سن امام هنگام ظهور

یک روایت در منابع اهل سنت، سن امام مهدی علیه السلام را در وقت ظهور، بین سی تا چهل سال بیان می‌کند (نعمیم بن حماد، ۱۴۱، ۲۲۶) و روایت دیگر در متون حدیثی شیعه، چهره آن حضرت را در محدوده چهل سال و کمتر از آن ترسیم می‌نماید (صدقوق، ۱۴۰، ۵؛ راوندی، ۱۴۰، ۱۱۷۱ - ۱۱۷۰). سه روایت دیگر نیز امام مهدی علیه السلام را در هنگام ظهور، دارای

۱. «وقيل لبعض الأنتم الماضين: أنت المهدى؟ قال: كيف أكون المهدى، وقد بلغت من السن ما ترون . وأخذ سعاده فمد جلد، وقال: المهدى لا يؤخذ له بالركاب (مرسله)». ۲. «إنه ليأخذ لى بالركاب، وإن صاحبكم يلبس الدرع فتستوى عليه ولا يؤخذ له بالركاب».

شمايل جوان كمتر از چهل سال معرفى مى كند.^۱

از اين پنج روایات اين گونه برداشت مى شود که امام مهدى ع در وقت ظهور، بين سی تا چهل ساله به نظر مى رسند و در روایت ششم نيز راوي از امام باقر ع سؤال مى كند که آيا شما مهدى هستيد که موجب غلبه دين خواهيد شد؟ امام پاسخ مى فرمایند: «چگونه من مهدى باشم در حالى که چهل و پنج سال از عمرم گذشته است.» (کلينى، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۵۳۶).^۲ اين روایت نيز با روایات سى تا چهل سال سازگار است زيرا بيان مى كند که سن امام مهدى ع كمتر از چهل و پنج سال است.

ج) روایت تعیین دقیق سن امام هنگام ظهور

سن امام مهدى ع هنگام ظهور، در سه روایت به صورت دقیق بيان شده است:
روایت اول که از منابع شیعه است، امام را دارای سن سی سال^۳ و روایت دوم که ظاهراً

۱. الف) «عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال قلت له جعلت فداك ... فقال يا محمد ... وليس صاحب هذا الأمر من جاز الأربعين». (صفار، ۱۴۰، ق: ۲۰۸ – ۲۰۹)

و کسی که سنت از چهل سال بگذرد صاحب این امر نخواهد بود (سنده، صحیح است: ابراهیم (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱، ۲۸۹ به بعد؛ محمد بن خالد برقی (طوسی، ۱۴۱۵، ق: ۳۶۳؛ خوئی، ۱۴۱۳، ق: ۷۱)، بنیطی (طوسی، ۱۴۱۵، ق: ۳۳۲؛ ابوابوب (نجاشی، ۱۴۱۶، ق: ۲۰)؛ ابو بصیر (نجاشی، ۱۴۱۶، ق: ۳۲۱) [لیث بن بختری، ۴۴۱]؛ [یحیی بن قاسم].

ب) «عن أبي سعيد عقيصا قال: لما صالح الحسن بن علي ع معاوية بن أبي سفيان دخل عليه الناس، فلامه بعضهم على بيته، فقال ع: ... ذلك الناس من ولد أخي الحسين ابن سيدة الإمام، يطيل الله عمره في غيبته، ثم يظهره بقدرته في صورة شاب دون أربعين سنة، ذلك ليعلم أن الله على كل شيء قادر». (صدقوق، ۱۴۰، ق: ۳۱۵ – ۳۱۶؛ طبری، ۱۳۸۶، ج ۲، ۹، ۱۰ – ۱۱؛ و ۱۴۱۷، ق: ج ۲۲۹، ۲۲۹ – ۲۳۰).

ابوسعید عقیصا می گوید هنگام صلح امام حسن ع با معاویه، مردم نزد ایشان آمدند و برخی آن حضرت را سرزنش کردند آن حضرت فرمودند: ... او (قیام کننده) نهمین فرزند برادرم حسین ع است فرزند سور کنیزان خداوند عمر او را در غبیتش طولانی خواهد کرد و سپس با قدرت خود به صورت جوانی زیر چهل سال ظاهرش خواهد ساخت تا دانسته شود که خداوند بر هر چیزی قدرت دارد (سنده به خاطر وجود حکیم بن صهیب، پدر سدیر، مهمل است).

ج) «قال على بن الحسين ع ان في القائم ع سنة من أبينا آدم، وسنة من نوح ... فاما من آدم ونوح: فطول العمر يطيل الله عمره في غيبته ثم يظهره بقدرته في صورة شاب دون أربعين سنة». (حائری، ۱۳۸۵، ق: ۳۹۷ – ۳۹۸) و ۱۴۲۵، ق: ۲۲۷ (اما سجاد ع می فرماید هماندار قائم سنتی از درمان آدم است و سنتی از نوح ... و اما سنت آدم و نوح پس طولانی شدن عمر است خداوند عمروی را در غبیتش طولانی گرداند سپس وی را به قدرت خوبیش در شمايل جوانی زیر چهل سال ظاهر گرداند. (مرسله).

۲. «عن الحكم بن أبي نعيم قال: أتيت أبيا جعفر ع وهو بالمدية، فقلت له: ... قلت: فأنت الذي تقتل أعداء الله ويعز بك أولياء الله ويظهر بك دين الله؟ فقال: يا حكم كيف أكون أنا وقد بلغت خمسا وأربعين [سنة]؟

در مدینه از امام باقر ع سؤال کردم شما کسی هستید که دشمنان خدا را خواهید کشت و دوستان خدا به واسطه شما عزيز خواهند شد و دين با شما غلبه خواهد کرد؟ فرمود اى حکم چگونه او من باشم در حالى که از عمر من چهل و پنج سال گذشته است (سنده ضعیف است به خاطر اهمال زید ابی الحسن و همچنین استادش حکم بن ابی نعیم).^۴

۳. «عن على بن عمر بن على بن الحسين، عن أبي عبد الله ع قال: إن ولی الله ... ويظهر فى صورة فتى موفق ابن ثلاثة

نسخه بدل همان روایت اول است، امام راسی و دو ساله معرفی می‌کند.^۱

دو روایت از منابع اهل سنت نیز امام را دارای شمایلی چهل ساله می‌دانند.^۲

این بخش از روایات هم، با نصوص گذشته تناسب داشته و سن آن حضرت را در محدوده بین سی تا چهل سال منحصر می‌کند.

بنابراین مجموع روایات مربوط به سن امام عصر^{علیهم السلام} هنگام ظهور، بیست روایت است. اگر چه این روایات از جهت متن با هم متفاوت هستند؛ اما دلالت همه آن‌ها بر جوان بودن آن حضرت در هنگام ظهور، تمام و از نظر تعداد نیز به حد استفاضه رسیده است و ما را از بررسی تک تک اسناد بی‌نیاز می‌کند؛ علاوه بر این که در بین آن‌ها روایت صحیح و موثق هم یافت می‌شود و به ما اطمینان می‌دهد که حضرت با شمایل جوان ظهور خواهد کرد؛ اما روایت سی سال که در نقل طبری واژه «ثمانین» است^۳ با توجه به نقل‌های دیگر این روایت در سایر

سنته. (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۲۰)

و در صورت جوانی کامل و قادرمند فرزند سی سال ظاهر خواهد شد. سند روایت ضعیف است زیرا جعفر بن محمد بن مالک متهم به دروغگویی است. (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۱۲۲) عمر بن طرخان هم مهمل است).

۱. «عن علی بن عمر بن علی بن الحسین^{علیهم السلام}، عن أبي عبد الله^{علیهم السلام} جعفر بن محمد^{علیهم السلام} أنه قال: "القائم من ولدی ... وبظهره في صورة شاب موفق اين اثنى وثلاثين سنة". (نعماني، ۱۴۲۲ ق: ۱۹۵)

و در صورت جوانی کامل و قادرمند فرزند سی و دو سال ظاهر خواهد شد.

توضیح: از اتحاد راوی و مروی عنه و متن روایت چنین برداشت می‌شود که این حدیث با روایت ۳۰ سال یکی است. و بقیه سند نیز همان سند روایت قبل است.

۲. (الف) «قال حذیفة فقال عمران بن الحصین الخزاعي، فقال يا رسول الله^{علیهم السلام}، كيف لنا بهذا، حتى نعرفه؟ قال: "هو رجل من ولدی، ... في خذه الأيمن خال أسود، ابن أربعين سنة" (مقدسى، ۱۴۱۶ ق: ۶۲؛ ۱۴۲۴ ق: ۲۴۵)

عمران بن حصین خزاعی از پیامبر^{علیهم السلام} تقاضا کرد تا شمایل مهدی^{علیهم السلام} را برایشان توضیح بدهد تا او را بشناسند حضرت فرمود: او مردی از فرزندان من است ... روی گونه راستش خال مشکی دارد و فرزند چهل سال است. (گذشته از مشکلات سند تعدادی از رجال آن نیز مثل عبدالصمدین محمد و عبدالوهاب خزان نشانی در منابع ندارند).

(ب) «وعن أبي أمامة قال قال رسول الله^{علیهم السلام}... يا رسول الله من أمام الناس يومئذ قال من ولدی ابن أربعين سنة». (هیشمی، ۱۴۰۸ ق: ج ۷، ۳۱۸ - ۳۱۹؛ ابن أثیر، بی: تا: ج ۴، ۳۵۳؛ أبي تیمیم، بی: تا: ج ۶، ۵ - ۶؛ طبرانی، ۱۴۰۵ ق: ج ۸، ۱۰۱ - ۱۰۲).

ابی امامه سؤال کرد امام مردم در آن زمان کیست؟ حضرت فرمود از فرزندان من و چهل ساله است (در سند روایت عنیسه بن ابی صغیره است که هیچ مرح و ذمی در منابع اهل تسنن ندارد. (ابن حجر، ۱۳۹۰ ق: ج ۴، ص ۳۸۳) و بستوی نیز پس از نقل روایت آن را تضعیف می‌کند (بستوی، ۱۴۰۵ ق: ۱۲۱)).

۳. «عن علی بن عمر بن علی بن الحسین، عن أبي عبد الله^{علیهم السلام} قال: القائم من ولدی، يعمر عمر خلیل الرحمن، يقوم في الناس وهو ابن ثمانین (فى نسخة "ط": ثلثین) سنة» (طبری، ۱۴۱۳ ق: ۴۸۱ - ۴۸۲)

قائم^{علیهم السلام} از فرزندان من عمری همانند ابراهیم طولانی خواهد داشت و بین مردم قیام خواهد کرد در حالی که فرزند هشتاد

سال است (نسخه بدل: سی سال) (در سند روایت جعفر بن محمد بن مالک متهم به دروغگویی است. (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۱۲۲) عمر بن طرخان هم مهمل است).

منابع(طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۰) و همچنین نسخه دیگر همین کتاب که به جای «ثمانین»، «ثلاثین» ثبت شده است، روایت مخالف محسوب نخواهد شد.

امتحان دشوار

جوان بودن رهبر در یک جامعه اگرچه دارای محاسن زیادی از قبیل نشاط، توانایی جسمی و امید افزایی در امت است؛ اما در کنار آن، ناپختگی، کم تجربگی، شتاب زدگی و نیز عدم استقلال رأی می‌تواند از معایب چنین رهبری باشد و افراد جامعه رهبری جوان را برنتابند و در مقابل وی موضع‌گیری کنند؛ این تقابل در میان افراد مسن که دوران جوانی را سپری کرده‌اند؛ مشهودتر و محسوس‌تر است؛ به میزان بالاتر رفتن سن افراد، قبول رهبری یک جوان، برای آن‌ها دشوارتر خواهد بود؛ زیرا با نگاه خوش‌بینانه، این موضع‌گیری از روی دلسوزی و نگرانی نسبت به آینده است و در نگاه بدینانه‌اش، فرد با یک مقایسه ذهنی میان موقعیت خود و رهبر جدید، حس حسابتش برانگیخته شده و خود و یا بهتر از خود و این جوان را شایسته جایگاه رهبری می‌داند؛ این واکنش در بین خواص جامعه از شدت بیش‌تری برخوردار است و عوام جامعه که خود را در رأس امور نمی‌بینند و داعیه ریاست و سیاست نیزندارند، اطاعت‌پذیری بهتری نشان می‌دهند و موضع‌گیری ایشان از سر دل‌سوزی و یا تحت تأثیر رفتار خواص است.

در زمان ظهور نیز با بررسی روایات اثبات شد که امام زمان علیه السلام به اراده الهی دارای چهره‌ای جوان خواهد بود بلکه مطابق روایتی، گذر زمان تا آخر عمر هیچ اثری بر ایشان ندارد (صدق)، ۱۴۰۵ق: ۶۵۲).^۱

ظهور امام مهدی علیه السلام با چهره جوان برای پیش‌برد اهداف بلند امام در حکومت جهانی بسیار کارایی دارد زیرا:

- مطابق فرهنگ قرآنی نیروی جسمی در کنار علم و آگاهی، یکی از اولویت‌های رهبر الهی است (بقره: ۲۴۷).

- در راستای سنت الهی در آزمایش مردم به حجت در سنین مختلف است (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۸۴).

- نوعی قدرت‌نمایی الهی است که نشان می‌دهد خداوند قدرت دارد که موعود را پس از

۱. «عن أبي الصلت الھروي قال: قلت للرضا علیه السلام: ما علامات القائم منكم إذا خرج؟ قال: ... وإن من علاماته أن لا يهتم بمور الأیام واللیالی حتى يأتيه أجله».

گذشت بیش از هزار سال به این صورت ظاهر کند (صدق، ۱۴۰۵ ق: ۳۱۵ - ۳۱۶؛ طبرسی، ۱۳۸۶ ق: ج ۲، ۹ - ۱۰ و ۱۴۱۷ ق: ج ۲، ۲۲۹ - ۲۳۰).

اما این جوانی برای برخی مشکل‌آفرین خواهد بود تا جایی که عده زیادی آن حضرت را انکار خواهند کرد، داستان این انکار و تمدّ در چهار روایت منعکس شده است:

الف) عن علی بن أبي حمزة، عن أبي عبدالله عليه السلام أنه قال:

لقد قام القائم لأنكـه الناس، لأنـه يرجع إـليـهم شـابـاً مـوـفـقاً لـا يـشـيـثـ عـلـيـهـ إـلاـ مـنـ قـدـ أـخـذـ
الله ميشاقه في الذر الأول (نعماني، ۱۴۲۲ ق: ۱۹۴ - ۱۹۵ و ۲۱۹ - ۲۲۰)؛
اـنـكـارـ خـرـوجـ كـنـدـ هـمـاـنـاـ مـرـدـ اوـ رـاـ انـكـارـ مـىـ كـنـدـ زـبـرـاـ وـىـ بـهـ سـوـىـ اـيـشـانـ بـرـگـشـتـهـ دـرـ
حـالـىـ كـهـ جـوـانـ اـسـتـ وـ كـسـىـ بـرـبـاـورـ بـهـ وـىـ ثـابـتـ خـواـهـدـ مـانـدـ كـهـ خـداـونـدـ دـرـ عـالـمـ ذـرـ، اـزـ
وـىـ پـيـمانـ گـرـفـتـهـ باـشـدـ.

سند این روایت به خاطر وجود محمد بن علی کوفی (ابوسمینه) که متهم به دروغگویی است (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۳۳۲) ضعیف است.

هشدار در این روایت چنان تکان دهنده است که مرحوم نعمانی در کتاب الغيبة با این که معمولاً به نقل روایات اكتفا کرده و توضیحی ارائه نمی‌دهند؛ در مورد این روایت عکس العمل نشان داده و هشدار در این روایت راجدی گرفته و برای بروون رفت از آن راه حل ارائه می‌فرمایند (نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ۲۱۹ - ۲۲۰)^۱ و چه بسا این واکنش، نشان از اعتبار روایت نزد ایشان باشد.

این روایت با دو سند دیگر نیز نقل شده است:

سند شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۲۰) به دلیل وجود حسن بن علی بن ابی حمزة که متهم به دروغگویی است (طوسی، بی تا: ج ۲، ص ۸۲۷) مبتلا به ضعف است.

سند منتخب أنوار المضيئة (نجفی، ۱۴۲۰ ق: ۳۲۹) اگرچه قبل از نقل روایت این عبارت را

۱ . «وفي هذا الحديث عبرة لمعتبر، وذكرى لمذكر متبصر، وهو قوله: "يخرج إـلـيـهـ شـابـاـ مـوـفـقاـ، لـاـ يـشـيـثـ عـلـيـهـ إـلاـ مـؤـمـنـ قـدـ أـخـذـ الله ميشاقه في الذر الأول" ، فهل يدل هذا إلا على أن الناس يبعدون هذه المدة من العمر، ويستطيلون المدى في ظهوره، وينكرون تأخره، ويائسون منه، فيطيرون يميناً وشمالاً كما قالوا عليه السلام: "تنفرق بهم المذاهب، وتتشعب لهم طرق الفتن، ويفتررون بلمع السراب من كلام المفتونين، فإذا ظهر لهم بعد السنين التي يجب مثها فيمن بلغه الشيخوخة وال الكبر، وحنوا الظهر، وضعف القوى، شاباً موقعاً أنكره من كان في قلبه مرض، وثبت عليه من سبقت له من الله الحسنة بما وفقه عليه، وقدمه إليه من العلم بحاله، وأوصله إلى هذه الروايات من قول الصادقين عليهم السلام فصدقها وعمل بها، وتقدم علمه بما يأتي من أمر الله وتدبیره فارتقيه غير شاك ولا مرتباً ولا متحجراً، ولا مفتر بزخارف إبليس وأشیاعه . والحمد لله الذي جعلنا من أحسن إليه، وأنعم عليه، وأوصله من العلم إلى ما لا يوصل إليه غيره، إيجاباً للمنة، وختصاصاً بالموهبة، حمداً يكون لنعمة كفاء، ولحقه أداء».

به کار می برد: «ما صح لی روایته عن أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدَ الْإِيَادِيِّ، يرْفَعُهُ إِلَى أَبِيهِ بَصِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» و بر سند خود تا ایادی صحه می گذارد و ایادی و ابوبصیر هم ثقه هستند، اما ارسال بین ایادی و ابو بصیر را درست نمی کنند.

مطابق این روایت بیشتر مردم درگیر این امتحان خواهند شد و صفات مؤمنان واقعی از شاگان و منحرفان جدا خواهد شد و آن قدر این ابتلاء مهم است که تنها کسانی که در عالم ذر، از ایشان پیمان گرفته شده باشد براین امر ثابت قدم خواهند ماند.

ب) عن أَبِيهِ عَبْدِ اللّٰهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

القائم من ولدی ... ويظهر في صورة شاب موفق ابن اثنين وثلاثين سنة، حتى ترجع عنه طائفة من الناس (نعماني، ١٤٢٢ - ١٩٥: ١٩٤)

قائم از فرزندان من ... وبه صورت جوانی کامل سی و دو ساله ظهور خواهد کرد تا این که گروهی از مردم ازوی برمی گردند.

سند ضعیف است به جعفر بن محمد بن مالک که متهم به دروغگویی است. (نجاشی، ١٤١٦: ١٢٢) و عمر بن طرخان نیز مهملاً است.

ج) زید الشحام، عن أَبِيهِ عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ صَالِحًا عَلَيْهِ غَابَ عَنْ قَوْمِهِ زَمَانًا، وَكَانَ يَوْمَ غَابَ عَنْهُمْ كَهْلًا مَبْدِجَ الْبَطْنِ حَسْنُ الْجَسْمِ، وَافْرَالَ الْحَيَاةِ، خَمِيسَ الْبَطْنِ خَفِيفَ الْعَارِضِينِ مُجْتَمِعًا، رِبْعَةُ مِنَ الرِّجَالِ فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ لَمْ يَعْرُفُوهُ بِصُورَتِهِ، فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ وَهُمْ عَلَى ثَلَاثَ طَبَقَاتِ : طَبَقَةٌ جَاهِدَةٌ لَا تَرْجِعُ أَبَدًا، وَأَخْرَى شَاكِةٌ فِيهِ، وَأَخْرَى عَلَى يَقِينٍ فَبِدَا عَلَيْهِ السَّلَامُ حِيثُ رَجَعَ بِالْطَّبَقَةِ الشَاكِةِ فَقَالَ لَهُمْ : أَنَا صَالِحٌ فَكَذَبُوهُ وَشَتَمُوهُ وَزَجْرُوهُ، وَقَالُوا : بَرِئُ اللّٰهُ مِنْكَ إِنَّ صَالِحًا كَانَ فِي غَيْرِ صُورَتِكَ، قَالَ : فَأَنِّي الْجَاهِدُ فَلَمْ يَسْمَعُوا مِنْهُ الْقَوْلَ وَنَفَرُوا مِنْهُ أَشَدَ النَّفُورَ، ثُمَّ انْطَلَقَ إِلَى الطَّبَقَةِ الثَّالِثَةِ، وَهُمْ أَهْلُ الْيَقِينِ فَقَالَ لَهُمْ : أَنَا صَالِحٌ، فَقَالُوا : أَخْبَرْنَا خَبْرًا لَا نَشْكُ فِيهِ مَعَهُ أَنَّكَ صَالِحٌ، فَإِنَّا لَا نُفْتَرِي أَنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَالَقُ يَنْقُلُ وَيَحُولُ فِي أَيِّ صُورَةٍ شَاءَ، وَقَدْ أَخْبَرْنَا وَتَدَارَسْنَا فِيمَا بَيْنَنَا بِعِلَامَاتِ الْقَائِمِ إِذَا جَاءَ، وَإِنَّا يَصْحُحُ عَنْدَنَا إِذَا قَوْلُ الْخَبْرِ مِنَ السَّمَاءِ، فَقَالَ لَهُمْ صَالِحٌ : أَنَا صَالِحٌ الَّذِي أَتَيْتُكُمْ بِالنَّاقَةِ، فَقَالُوا : صَدِقْتَ وَهِيَ الَّتِي نَتَدَارِسُ فِيمَا عَلِمْتُمْهَا ؟ فَقَالَ : لَمَا شَرَبْتُ وَلَكُمْ شَرِبُ يَوْمِ مَعْلُومٍ، قَالُوا آمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِمَا جَئَنَا بِهِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ قَالَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : «إِنَّ صَالِحًا مَرْسَلًا مِنْ رَبِّهِ» (فَقَالَ : أَهْلُ الْيَقِينِ : إِنَّا بِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ مُؤْمِنُونَ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا (وَهُمُ الشَّكَاكُ وَالْمُجَاهِدُ) : إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ " قَلْتَ : هَلْ كَانَ فِيهِمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَالَمٌ بِهِ ؟ قَالَ : اللّٰهُ أَعْدَلُ مَنْ أَنْ يَتَرَكَ الْأَرْضَ بِلَا عَالَمٍ يَدْلِلُ عَلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَقَدْ مَكَثَ الْقَوْمُ بَعْدَ خَرْجِ صَالِحٍ سَبْعَةَ أَيَّامٍ عَلَى فَتْرَةٍ لَا يَعْرِفُونَ إِمَاماً، غَيْرَ أَنَّهُمْ عَلَى مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ دِينِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ، كَلَمْتَهُمْ وَاحِدَةً،

فلما ظهر صالح ﷺ اجتمعوا عليه . وإنما مثل القائم ﷺ مثل صالح . (صدق، ۱۴۰۵ ق: ۱۳۶ - ۱۳۷؛ راوندی، ۱۴۱۸ ق: ۱۰۰)

زید شحام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که صالح علیه السلام مدتی از قوم خویش غائب گشت و هنگام غائب شدن مرد بزرگ خوش هیکل با محاسنی پرپشت و قامتی متوسط بود؛ اما هنگام بازگشت او را از جهت چهره نشناختند و سه فرقه شدند؛ منکران که هیچ گاه ایمان نیاورندند، شک کنندگان و اهل یقین؛ ابتدا سراغ شاگان رفت و گفت: «من صالح هستم.»، او را تکذیب کرده و با دشنام او را راندند و گفتند: «خداؤند از تو بیزاری بجوید صالح هم قیافه تو نبود.»، سپس به سراغ منکران رفت آن‌ها نیز حرف اورا نپذیرفتند و برخورد شدیدتری کردند و بعد نزد طبقه سوم یعنی اهل یقین رفت و گفت: «من صالح هستم.»، گفتند: «دلیلی چیزی بیاور که ما در مورد صالح بودن شک نکنیم زیرا اعتقاد ما این است که خداوند خالق می‌تواند افراد را به هر صورتی تغییر دهد و در مورد علامت‌های قائم، خبرهایی به ما رسیده و ما نیز آن را در بین خود مورد مطالعه قرار داده‌ایم و تنها اخباری که از آسمان می‌آید، نزد ما صحیح است و از راه گفتگوی با صالح و پرسش از علامات به او ایمان آورند. در ادامه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مَثَلُ قَائِمٍ نَّبِيْزٌ مَانِدٌ صَالِحٌ اَسْتُ».»

سند این روایت موثق است زیرا علی بن اسباط، سابقاً فطحی بوده و رجوعش از این عقیده، مورد اختلاف است (نجاشی، ۱۴۱۶ ق: ۲۵۲).

۵) وعن أبي عبدالله الحسين بن علي علیه السلام، انه قال:

لوقام المهدى لأنكرو الناس؛ لأنه يرجع إليهم شاباً موفقاً، وإن من أعظم البلية أن يخرج إليهم صاحبهم شاباً، وهو يحسبوه شيئاً كبيراً (مقدسى، ۱۴۱۶ ق: ۶۹)؛
اگر قائم خروج کند، همانا مردم او را انکار می‌کنند زیرا به سوی ایشان برگشته در حالی که جوان است و از بزرگ ترین بلاها این است که صاحب ایشان با چهره جوان به سوی ایشان بباید در حالی که فکر می‌کرددن پیر کهنه سالی شده است.

سند روایت دارای ارسال می‌باشد.

در این روایت آزمایش مردم به رهبر جوان از دشوارترین ابتلائات و امتحان‌های زمان ظهور، شمرده شده است: این اعظم البلية بودن به خاطر گستره وسیع این امتحان است و موجب تمزّد مردم و یا برخی از ایشان خواهد شد. این موضع گیری دو دلیل عمده دارد؛ یکی تردید در توانایی جوان سی ساله برای مدیریت جهان و دیگری که برای برخی شیعیان محل سؤال خواهد بود، جوان ماندن حضرت پس از عمر طولانی است.

بررسی تاریخی مسئله مخالفت خواص جامعه و یا توده مردم با رهبران جوان و معرفی شواهد عینی آن از حوصله این مقاله خارج بوده و تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبید؛ اما بررسی سابقه تاریخی ابتلاء مردم به حجت کودک و یا جوان در عصر معصومین علیهم السلام و نگاهی اجمالی به موضوع گیری ایشان در قبال اوصیاء پیامبر علیهم السلام، علاوه بر این که در جهت بروز رفت از این مشکل در زمان ظهور راهگشا است؛ برای ضعف سند روایات انکار امام جوان در عصر ظهور نیز کارآیی دارد زیرا وقتی ثابت شود در عصر حضور ائمه علیهم السلام این موضوع گیری‌ها و مخالفت‌ها بوده است، وجود آن در ابتدای ظهور نیز بعید به نظر نمی‌رسد.

بازشناسی سابقه تاریخی مسئله در دوران پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام

الف) امام علی

خلافت و وزارت امام علی علی‌الله‌آباد از همان دوران نوجوانی مطرح بوده و مخالفت‌هایی را در پی داشته است:

در پیمان خویشاوندان، هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ، امام علی علیه السلام را که کوچک‌ترین فرد حاضر در جلسه بود، به عنوان جانشین و وزیر خود معرفی می‌کند، عده‌ای با طعنه، این عملکرد را به سخره گرفته و به ابوطالب علیه السلام می‌گفتند؛ باقیستی از این پس از فرزند خردسال خود تبعیت کنی، (مفید، ۱۴۱۴: ج ۱، ۵۰؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۳؛ طبری، ۱۴۱۵: ۱۱۴) (ج ۱۹، ۱۴۹).

رسول گرامی اسلام ﷺ، در پایان عمر مبارکشان مقام فرماندهی لشگر را به اسمه بیست و دو ساله اعطای کرده و مسلمانان را عموماً (صدقه، ۱۴۰۳ق: ۳۷۲ - ۳۷۱) و برخی را نیز بالخصوص (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۸۰ - ۱۸۱؛ صدقه، ۱۴۰۳ق: ۳۷۱) به پیروی از فرمانده جوان و ملحق شدن به این سپاه در خارج مدینه امر کرده بودند (مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۸۱ - ۱۸۰؛ دلیمی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۳۷ و ۳۳۹) و متمردان، و نافرمانان را مورد لعن قراردادند (أبوالقاسم کوفی، بی تا: ج ۱، ۲۰ - ۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: به نقل از بعض مؤلفات قدماء أصحابنا، ج ۲۷، ۳۲۳ - ۳۲۴). این اقدام پیامبر، مورد اعتراض برخی از منافقین قرار گرفت و بهانه معتبرین نیز جوانی اسمه بود (شریف مرتضی، ۱۴۱۰ق: ج ۴، ۱۴۷؛ ذهبی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۷۱۴). پیامبر این بهانه را نمی‌پذیرد و دوباره دستور خود را تکرار می‌فرمایند (طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۱، ۹۰ - ۹۱؛ عینی، بی تا: ج ۱۸، ۷۶؛ عبد الرزاق صنعاوی، بی تا: ج ۱۱، ۲۳۴).

گرچه آن حضرت با این اقدام در نظر داشتند جامعه نوپای اسلامی را از کشمکش‌های سیاسی حفظ کنند (صدقه، ۱۴۰۳ق: ۳۷۲؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۳۸؛ مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۱)،

۱۸۰ - ۱۸۱) و یا به گفته سلمان فارسی می‌خواستند نافرمانان و منافقان پس از خود را به جامعه اسلامی معرفی نمایند (طبرسی، ۹۹، ۱۳۸۶ ق: ج، ۱۰۰ - ۹۹)؛ اما شاید یکی دیگر از حکمت‌های این فرمان، تمرین پذیرش رهبری امام جوان، و به اصطلاح امروزی مانور نظامی اطاعت از رهبری بود؛ گرچه بر اثر تمزد عده‌ای، به شکست انجامید و موجبات ناراحتی پیامبر را نیز فراهم آورد (دیلمی، ۱۴۱۲ ق: ج، ۳۳۹؛ قاضی نعمان مغربی، بی‌تا: ج، ۳۲۰). و توبیخ عاصیان را در پی داشت. (مفید، ۱۴۱۴ ق: ج، ۱۸۳)

پس از رحلت پیامبر ﷺ، نیز جانشینی و امامت حضرت علی علیه السلام با وجود تصریح پیامبر ﷺ مورد پذیرش واقع نشد و به گواه تاریخ یکی از بهانه‌های مخالفت با این دستور، جوانی آن حضرت بود؛ ابو عبیده پس از داستان سقیفه، در پاسخ اعتراض امام علی علیه السلام سی و سه ساله (رک جدول سن ائمه علیهم السلام)، می‌گوید:

ای ابا الحسن تو جوانی و اینان بزرگان قوم تو هستند و تجربه و دانش تو به پای ایشان نمی‌رسد ... امر را به ایشان تسلیم کرده و راضی باش اگر زنده بمانی و عمرت طولانی شود با فضل و سابقه و جهاد و خویشاوندی ای که دارا هستی شایسته حکومت خواهی بود (ابن أبي الحديدة، ۱۳۷۸ ق: ج، ۵؛ طبرسی، ۱۳۸۶ ق: ج، ۸۹).

ب) امام موسی بن جعفر علیه السلام

پس از شهادت امام صادق علیه السلام انشعاباتی در شیعه پدیدار شد و فرزند ارشد نبودن امام کاظم علیه السلام و سن کم ایشان - حدود بیست سال - (رک جدول سن ائمه علیهم السلام) را می‌توان از دلائل این ارتداد برشمرد.

این امتحان، باعث انحراف برخی و باور به زنده بودن اسماعیل به عنوان فرزند ارشد امام صادق علیه السلام درست شدن فرقه اسماعیلیه (نوبختی، ۱۳۸۸ ق: ۷۹؛ زرکلی، ۱۴۱۰ ق: ج، ۳۱۱، ۱) و سیوطی، بی‌تا: (۱۴) و سوق گروهی دیگر به سوی امامت عبدالله افطح، فرزند دوم و تشکیل فرقه فطحیه (نوبختی، ۱۳۸۸ ق: ۸۸؛ طوسی، بی‌تا: ج، ۲۴، ۵۲۴) شد. حتی گروهی از بزرگان شیعه در مواجهه با این امتحان، سربلند بیرون نیامدند (طوسی، بی‌تا: ج، ۲۵، ۵۲۵)؛ اما عده‌ای از ایشان پس از سنجش علمی عبدالله افطح و پی بردن به جهل وی (نوبختی، ۱۳۸۸ ق: ۸۸؛ طوسی، بی‌تا: ج، ۲۵، ۵۲۵) و عده بیشتری پس از مرگ عبدالله در هفتمنی (نوبختی، ۱۳۸۸ ق: ۸۹) و یا نهمین (طوسی، بی‌تا: ج، ۲، ۵۲۵) روز شهادت امام صادق علیه السلام و یادآوری حدیثی که می‌فرماید امامت در غیر امام حسن و امام حسین علیهم السلام در دو برادر دیگر جمع نخواهد شد (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج، ۱، ۲۸۵ - ۲۸۶؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق: ۵۶، طوسی، بی‌تا: ج، ۲، ۵۲۵) از

این اعتقاد برگشته و به امامت امام کاظم علیه السلام معتقد شدند (نوبختی، ۱۳۸۸ق: ۸۹؛ طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۵۲۵).

ج) امام جواد علیه السلام

امام محمد بن علی علیه السلام، اولین امامی است که در سن طفولیت به امامت می‌رسد. (رک جدول سن ائمه علیهم السلام) از این رو پرداختن به حادث این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امام رضا علیه السلام، در پاسخ صفوان بن یحیی که از ایشان سؤال می‌کند اگر خدا آن روز را نیاورد که اتفاقی برای شما بیفتند، به چه کسی پناه ببریم؟ با دستانشان به امام جواد علیه السلام که در مقابل شان ایستاده بود اشاره کردند، عرض کردم ایشان کوکی سه ساله است! فرمودند: این اشکالی ندارد عیسی بن مریم دو ساله بود که مقام نبوت به او اعطاء شد (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۲۱ و ۳۸۳؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ۲۳۷).

شخصی در خراسان از امام رضا علیه السلام همین پرسش را می‌کند، حضرت می‌فرماید:

به ابی جعفر فرزندم (امام جواد علیه السلام) مراجعه کنید، سؤال کننده به سن کم امام جواد اشاره می‌کند، امام رضا علیه السلام پاسخ می‌دهند: «خداؤند عیسی بن مریم را به رسالت مبعوث کرد و او را صاحب شریعت قرارداد در حالی که سنش از سن ابو جعفر کمتر بود» (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۲۲ و ۳۸۴؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ۲۳۷).

راوی می‌گوید؛ نزد امام رضا علیه السلام نشسته بودیم، زمان برخاستن فرمودند:

با اباجعفر ملاقاتی داشته باشید و براو سلام کرده و تجدید بیعت کنید. پس از آن که همه متفرق شدند حضرت رو به من کرد و فرمود: «خداؤند مفضل را رحمت کند، او به کمتر از این کارها نیز قانع می‌شد» (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۲۰؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ۲۳۷).

پس از شهادت امام رضا علیه السلام، شیعه با امامت امام خردسال به صورت واقعی و ملموس، موافق می‌شود، در بغداد، اصحاب خاص امام رضا علیه السلام، در خانه عبد الرحمن بن حجاج تجمع کرده و برای شهادت امام رضا علیه السلام عزاداری می‌کنند، یونس بن عبدالرحمن می‌گوید: «گریه را رها کنید بگویید تا این بچه بزرگ می‌شود رهبری شیعه را چه کسی عهده دار می‌شود و پرسش‌های خود را از چه کسی بپرسیم؟» ریان بن صلت با خشم برمی‌خیزد و با یونس درگیر می‌شود و می‌گوید: «تو شک و نفاق درونی خود را از ما مخفی کرده‌ای؛ اگر این کودک از جانب خداوند به عنوان امام انتخاب شده حتی اگر نوزاد یک روزه باشد به منزله پیر دانا است و اگر از جانب خداوند نباشد حتی اگر هزار ساله

باشد باز یکی از مردم عادی به شمار می‌آید.» پس از این برخورد تمامی حاضران در مجلس یونس را توبیخ و شماتت می‌کنند؛ بعد از این قضیه هشتاد فقیه از شیعیان عراق در موسوم حج به قصد زیارت امام جواد علیهم السلام به مدینه سفر کرده و با آزمایش علمی به توانایی‌های ایشان پی می‌برند. (حسین بن عبد الوهاب، ۱۳۶۹ق: ۱۰۸-۱۰۹).^۱

علی بن جعفر که از بزرگان بنی هاشم و عمومی پدر امام جواد علیهم السلام است، در مقابل امام جواد علیهم السلام خدosal، به جهت مقام امامت ایشان کرنش می‌کند وقتی با اعتراض اطرافیان روبرو می‌شود، پاسخ دندان‌شکنی به آن‌ها می‌دهد و می‌فرماید:

ساخت باشید و قتی خداوند مرا با این محاسن سفید لایق امامت ندیده و این کودک را شایسته دیده است من چگونه برتری او را انکار کنم (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۳۲۲).^۲

یکی از شیعیان به امام جواد علیهم السلام عرض می‌کند که مردم نسبت به سن کم شما اعتراض دارند، حضرت می‌فرمایند:

خداؤند به داود فرمان داد که سلیمان را به عنوان جانشین خود معرفی کن و این در زمانی بود که سلیمان کودکی بود که گوسفندان را چوپانی می‌کرد، این امر بر عابدان و علمای بنی اسرائیل گران آمد، خداوند به داود وحی کرد که عصای بزرگان معترض، و عصای سلیمان را در خانه‌ای قرار دهید و درب آن خانه را با مهر و موسم مخالفین، بیندید فردا چوب هر کسی که سبز شده و برگ درآورد، خلیفه است داود نیز پیام را رساند و با این امتحان معتبرین ساخت شدند و جانشینی سلیمان ثبت شد (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۳۸۳).

علی بن حسان نیز همین اعتراض مردم را به امام جواد علیهم السلام منتقل می‌کند، امام می‌فرماید

۱. ولما قبض الرضا علیهم السلام كان سن أبي جعفر علیهم السلام نحو سبع سنين فاختلفت الكلمة بين الناس ببغداد وفي الأمصار واجتمع الريان بن الصلت وصفوان بن يحيى و محمد بن حكيم و عبد الرحمن بن الحجاج ويونس بن عبد الرحمن وثقاتهم في دار عبد الرحمن بن الحجاج في بركة زلول يكون ويتوجعون من الصصيبة فقال لهم يونس بن عبد الرحمن دعوا البكاء من هذا الامر والى من نقصد بالمسائل إلى أن يكبر هذا يعني أبا جعفر علیهم السلام ققام إليه الريان بن الصلت ووضع يده في حلقة ولم يزل يلطمها ويقول أنت تظاهر الإيمان لنا وتبطن الشك والشرك إن كان أمره من الله فلو انه كان ابن يوم واحد لكان بمنزلة الشيخ العالم وفوقه وإن لم يكن من عند الله فلو عمر ألف سنة فهو واحد من الناس.

۲. محمد بن الحسن بن عمار قال: كنت عند علي بن جعفر بن محمد جالسا بالمدينة و كنت أقامت عنده ستيني أكتب عنه ما يسمع من أخيه - يعني أبا الحسن علیهم السلام - إذ دخل عليه أبو جعفر علیهم السلام المسجد - مسجد الرسول علیهم السلام - فوثب على بن جعفر بلا حذاء ولا رداء فقبل يده و عظمه، فقال له أبو جعفر علیهم السلام: يا عم اجلس رحمك الله فقال: يا سيدى كيف أجلس وأنت قائم، فلما رجع على بن جعفر إلى مجلسه جعل أصحابه يوبخونه ويقولون: أنت عم أخيه وأنتم تفعل به هذا الفعل؟ فقال: اسكتوا إذا كان الله عزوجل - وبقى على لحيته - لم يؤهل هذه الشيبة وأهل هذا الفتى ووضعه حيث وضعه، أنكر فضله؟! نعوذ بالله مما تقولون، بل أنا له عبد.

جای اعتراض نیست وقتی خداوند در آیه «فُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَذْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...» (یوسف: ۱۰۸) به پیامبر دستور می‌دهد؛ بگواین راه من است به سوی خدا با بصیرت دعوت می‌کنیم من و کسانی که از من تبعیت می‌کنند. به خدا قسم کسی غیر از علی نه ساله او را تبعیت نکرد و من نیز نه سال دارم. (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۸۴)

مسئله امامت در کودکی در دوران امام جواد علیه السلام، به صورت کامل برای جامعه شیعی حل شد و تأثیرش این شد که نسبت به امامت امام هادی علیه السلام در هفت سالگی و با امامت امام زمان علیه السلام در پنج سالگی، مخالفتی گزارش نشده است.

نام امام	تاریخ ولادت روز/ماه/سال	تاریخ امامت روز/ماه/سال	سن امامت ماه/سال	تاریخ شهادت روز/ماه/سال
امام علی علیه السلام	۲۳/۰۷/۱۳	۱۱/۰۲/۲۸	۳۳/۷	۲۱/۰۹/۴۰
امام حسن علیه السلام	۱۵/۰۹/۳	۲۱/۰۹/۴۰	۳۷	۲۸/۰۲/۵۰
امام حسین علیه السلام	۰۳/۰۸/۴۰	۲۸/۰۲/۵۰	۴۵/۶	۱۰/۰۱/۶۱
امام سجاد علیه السلام	۰۵/۰۸/۳۸	۱۰/۰۱/۶۱	۲۲/۵	۲۵/۰۱/۹۵
امام باقر علیه السلام	۰۳/۰۲/۵۷	۲۵/۰۱/۹۵	۳۸	۰۷/۱۲/۱۱۴
امام صادق علیه السلام	۱۷/۰۳/۸۳	۰۷/۱۲/۱۱۴	۳۱/۸	۲۵/۱۰/۱۴۸
امام کاظم علیه السلام	۰۷/۰۲/۱۲۸	۲۵/۱۰/۱۴۸	۲۰/۸	۲۵/۰۷/۱۸۳
امام رضا علیه السلام	۱۱/۱۱/۱۴۸	۲۵/۰۷/۱۸۳	۳۴/۸	۳۰/۰۲/۲۰۳
امام جواد علیه السلام	۱۰/۱۰/۱۹۵	۳۰/۰۲/۲۰۳	۸/۵	۳۰/۱۱/۲۲۰
امام هادی علیه السلام	۱۵/۱۲/۲۱۲	۳۰/۱۱/۲۲۰	۱۱/۱۱/۲۵۴	۰۳/۰۷/۲۵۴
امام حسن عسکری علیه السلام	۰۸/۰۴/۲۳۲	۰۳/۰۷/۲۵۴	۳/۲۲	۰۸/۰۳/۲۶۰
امام زمان علیه السلام	۱۵/۰۸/۲۵۵	۰۸/۰۳/۲۶۰	۶/۴	—

تقسیم‌بندی مردم در مواجهه با ابتلاء

در اخباری که موضع‌گیری مردم در مقابل امام مهدی علیه السلام جوان در عصر ظهور گزارش شد، در نقل نعمانی تعبایر «الناس» و «طائفه من الناس» و در نقل طوسي و مقدسی «الناس» و در نقل نجفی و مجلسی «كثير من الناس» است، شاید با توجه به کاربست واژه «الناس» در فرهنگ روایی شیعه، بتوان ادعا کرد که این انکار در جامعه غیر شیعی و یا گروهی از ایشان مشاهده خواهد شد و در میان شیعیان نمود کمتری خواهد داشت؛ اما در روایت دیگری که امام، این آزمایش را از دشوارترین ابتلاء و امتحان‌های عصر ظهور می‌داند (مقدسی، ۱۴۱۶ ق: ۶۹) در کنار واژه «الناس» تعبیر «يخرج إليهم صاحبهم» و «وهم يحسبوه شيئاً كبيراً» دارد که با توجه به واژه «صاحب الزمان» در فرهنگ شیعه و همچنین باور به تولد در قرن سوم و غیبت و طول عمر آن حضرت، شاید با جامعه شیعی تناسب بیشتری داشته باشد؛ پس می‌توان به طور

کلی گفت که پذیرش این امام به ظاهر جوان برای عده‌ای چه شیعه چه سنی و چه صاحب هر مسلک دیگر، مشکل خواهد بود زیرا موعود باوران به چند دسته قابل تقسیم هستند: گروه اول مردمی که مسلمان نیستند؛ اما بر اساس باورهای دینی و یا مکتبی خود، یک رهایی بخش الهی را منتظر می‌کشند

دسته دوم مسلمانان اهل سنت که به خاطر وعده‌های قرآن و بشارت‌های پیامبر ﷺ، منتظر مهدی موعود ﷺ هستند و عالمان آن‌ها نیز چند روایت در منابع دینی خود مبنی بر پدیدار شدن مهدی ﷺ با شمایلی چهل ساله از نظر گذرانده‌اند. طایفه سوم عوام شیعه که می‌دانند امام زمانشان در قرن سوم متولد شده و اکنون در غیبت است و روزی ظهر خواهد کرد.

گروه چهارم شیعیانی هستند که به همراه باور به تولد و غیبت امام زمان ﷺ، آگاهی دارند که حضرت پس از عمر طولانی با چهره جوان پدیدار خواهند شد

بازشناسی انکیزه‌ها و دلائل انکار امام جوان

مردم در مواجهه با این آزمون دو پرسش اساسی دارند؛ یکی عمومی، و دیگری مختص به جامعه شیعی؛

رهبری که قرار است حکومت جهانی تشکیل داده و هدف انبیاء را محقق کند، زورمداران را نابود کرده و یا مطیع خود کند، آیا ممکن است یک جوان ۳۰ - ۴۰ ساله باشد؛ حکومتی که بزرگان سیاست و قدرت، بلکه بزرگان دین از تشکیل آن عاجز بودند، آیا یک جوان سی چهل ساله از عهده آن برخواهد آمد؟ آیا چهره پخته‌تری برای این کار لازم نیست؟ این سؤال هنگام رؤیت منجی جوان برای هر کسی ممکن است پیش آید، شیعه و یا سنی! مسلمان باشد و یا به واسطه آموزه‌های غیر اسلامی، اعتقاد به آمدن منجی پیدا کرده باشد، تفاوتی نمی‌کند! و بالاخره این که مطابق باور شیعه که امام زمان ﷺ متولد شده است و بیش از هزار و سیصد و هشتاد سال از غیبت‌شان می‌گذرد؛ چگونه با چهره‌ای ۳۰ - ۴۰ ساله ظهر خواهند کرد و چگونه است که گذر زمان بر جسم ایشان تأثیر نگذاشته است؟

پس انکار و موضع‌گیری غیر شیعیان اگر به جهت غرض ورزی، دشمنی و مقابله با آن حضرت نباشد؛ به تردید در توانایی ایشان در اداره جامعه جهانی بازگشت می‌کند و موضع‌گیری در برابر منجی جوان در خصوص شیعیان نیز که مکرر به امام خردسال و جوان آزمایش شده‌اند به این گونه توجیه می‌شود که به دلیل فاصله گرفتن از عصر ائمه، تصور مردم از چهره و

شمايل امام دگرگون شده و دیدن ظاهري اسطوره‌اي را انتظار دارند و پذيرش چهره‌اي آشنا و جوان برایشان دشوار است؛ ضمن آنكه امامي هم در جامعه حضور نداشته است تا همچون عصر ائمه علیهم السلام، زمينه را برای پذيرش امام بعد از خود فراهم کند و او را به مردم بشناساند و با گذشت زمان طولاني از تولد امام مهدى علیه السلام، اگرچه روایات مبتنی بر جوان بودن چهره حضرت و هم چنین تأثير نپذيرفتن چهره و بدنه ايشان از گذر زمان فراوان است؛ اما ناخودآگاه جامعه شيعي منتظر شخص مسن تری برای تصدی اين منصب خواهند بود.

البته اين حقيقت درخصوص عموم شيعه است؛ اما برای تعداد كمی از شيعيان نيز اين امكان وجود دارد که جوانی حضرت را بهانه نمایند و بخاطر فرار از مسئليت و يا در خطر ديدن منافع خود، با اين توجيه، از پذيرش رهبری امام مهدى علیه السلام امتناع می‌کنند.

این که در برخی روایات سخن از اطاعت عمومی در زمان ظهور به میان آمده (قندوزی)،^۱ اگر از ضعف سند آنها و نیز تعارض با روایات جنگ هشت ماهه آن حضرت (ابن بابويه؛ ۱۴۰۴ق: ۱۱۵؛ صدوق، ۱۴۰۵ق: ۳۱۸ و ۳۲۹؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۶۷ - ۱۶۸ و ۳۱۹ - ۳۲۱)^۲ صرف نظر کنيم، به اين صورت قابل توجيه است که روایت تمزد و انکار را مربوط به ابتدای روياوري با امام جوان و در سرآغاز ظهور بدانيم و بگوئيم روایت اطاعت عمومی، مربوط به زمان پس از ثبيت قيام و تشکيل حکومت است.

راه نجات از امتحان

حال راه بروان رفت از اين مشكل چيست؟ و برای به حداقل رساندن آسيب اين بلية چه باید کرد؟

راهکار پرسش يكم (توانايي جوان در اداره جامعه جهاني)
برای پرسش عمومی نسبت به توپانيي جوان زير چهل سال برای تشکيل حکومت جهاني و

۱. «وقال بعض من أهل الله وأصحاب الكشف والشهود وعلماء الحروف: إنني ناقل عن الإمام على علیه السلام ... فيملك بلاد المسلمين بأمان، ويصفوه لزمان، ويسمع كلامه ويطيعه الشيوخ والفتيا...» (مرسله).

۲. «عن زيد بن وهب الجهنمي قال: لما طعن الحسن بن علي علیه السلام بالمدائن أتيته وهو متوجع، ... يدين له عرض البلاد وطولها، لا يبقى كافر إلا آمن به ولا صالح إلا صلح، ويصطلاح في ملکه السبع». (مرسله)

۳. «حدثنا عبد الله بن مروان عن الهيثم بن عبد الرحمن قال حدثني من سمع عليا رضي الله عنه يقول ... ويسير المهدى حتى ينزل بيت المقدس وتنقل إليه الخزانة وتدخل العرب العجم وأهل الحرب والروم وغيرهم في طاعته من غير قتال». (مجهول)

اداره و رهبری آن، توجه به موارد زیر راهگشا خواهد بود:

۱. اعتقاد به وعده الهی؛

منجی باوران اعم از مسلمان و غیر مسلمان که به خاطر وعده الهی و بشارت انبیاء به آمدن منجی امید دارند؛ منتظر یک شخص الهی هستند تا بباید و حکومت مورد نظر خداوند را بربپا کند و چنین شخصی که تأیید رب العالمین را به همراه دارد، حجت خداوند بروز زمین است و ولی خدا در هرسنی می‌تواند ظاهر شود (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۳۸۴) ^۱ و وعده او را محقق کند و تردید در توانایی منجی جوان، برای اداره چنین حکومتی، شک در وعده حتمی الهی خواهد بود.

۲. توجه به سنت الهی امتحان به حجت در سنین مختلف و وجود موارد مشابه؛

خداوند حجت خود را در سنین مختلف برای مردم فرستاده است (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۳۸۲) و به نوعی مردم را به اطاعت از ایشان آزمایش می‌کند. تکرار این آزمون در ادیان گذشته و در اسلام به این حقیقت اشاره دارد که از سنت‌های الهی است؛ قبل از اسلام، حکومت حضرت سلیمان علیه السلام در سن ۹ سالگی (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۳۸۳، مازندرانی، ۱۴۲۱ق: ج ۶)، ^۲ نبوت حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام در کودکی و در اسلام امامت ائمه معصومین در سنین مختلف انجام شده است و توجه به این سنت الهی و نمونه‌های عینی آن، پذیرش رهبر جوان را در عصر ظهور برای همگان آسان خواهد کرد.

۳. توجه به شأن و عظمت امام مهدی ع؛

و اما برای جامعه شیعی و برخی از اهل سنت که معتقد به مقام خلافت و امامت در حضرت مهدی ع هستند، با وجود این اعتقاد و توجه به توصیف مقام امام و خلیفه در روایات و شأن والای ایشان؛ ^۳ جایی برای تردید در توانایی امام مهدی ع در اداره جهان نخواهد بود.

توجه به تواضع علی بن جعفر به عنوان بزرگ بنی هاشم در برابر امام جواد علیه السلام کودک

۱. «عن علی بن اسباط قال: رأيت أبا جعفر ع وقد خرج على فأخذت النظر إليه وجعلت أنظر إلى رأسه ورجليه، لأنصف قامته لأصحابنا بمصر، فبينا أنا كذلك حتى قعد، فقال: يا على إن الله احتاج في الإمامة بمثل ما احتاج به في النبوة فقال: »واتيناه الحكم صبياً« (مریم، ۱۲) «ولما بلغ أشده» (یوسف، ۲۲) و (قصص، ۱۴) «ولبلغ الأربعين سنة» (احقاف، ۱۵) فقد يجوز أن يؤتى الحكمة وهو صبي ويجوز أن يؤتاهما وهو ابن الأربعين سنة» (سندي این روایت موثق است زیراً على بن اسباط، سابقاً فطحي بوده ورجوعه از این عقیده مورد اختلاف است (تجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۵۲)).»

۲. رک: (کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۱۹۸—۲۰۵؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۵۲۸؛ حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۳۹—۳۴۰؛ صفار، ۱۴۰۴ق: ۴۳۲؛ احمد بن حنبل، بی‌تا: ج ۴، ۱۲۶؛ ابن ماجه، بی‌تا: ج ۱، ۱۶؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ۱۵۰؛ بیهقی، بی‌تا: ج ۱۰، ۱۱۴).

(کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۲۲) و برخورد شدید ریان بن سلت با یونس بن عبد الرحمن که در توانایی امام جواد علیه السلام شک کرده بود (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹ق: ۱۰۸ - ۱۰۹)، برای شیعه راهگشا خواهد بود.

۴. توجه به سن واقعی امام مهدی

همچنین شیعیان که معتقد به تولد امام مهدی علیه السلام هستند، بایستی این نکته را مد نظر داشته باشند که جوانی امام زمان علیه السلام در چهره و جسم ایشان است و در حقیقت امام علیه السلام انسانی هزار ساله است با تجربه و پختگی ای به مقدار عمر مبارکشان؛ واژه‌های «یظهر فی صورة شاب» (صدقه، ۱۴۰۵ق: ۳۱۵ - ۳۱۶؛ خزار، ۱۴۰۱ق: ۲۲۶ - ۲۲۴؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق: ج ۹، ۲ - ۱۰ و ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۲۲۹ - ۲۳۰؛ اربلی، بی‌تا: ج ۳، ۳۲۸ - ۳۲۹)، «لیحسبه ابن أربعين سنة أو دونها» (صدقه، ۱۴۰۵ق: ۶۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۷۰ - ۱۱۷۱)، «كان في سن الشيوخ ومنظر الشبان» (صدقه، ۱۴۰۵ق: ۳۷۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۲۴۰ - ۲۴۱؛ اربلی، بی‌تا: ج ۳، ۳۳۱)، در روایات مربوط به جوانی همگی به نوعی اشاره به ظاهری و صوری بودن دارد. و صرف نظر از مقام امامت و علم که در امام مهدی علیه السلام است؛ اگر اداره جهان از عهده ایشان با این مقدار از تجربه بر نیاید، شخص دیگری این توانایی را نخواهد داشت.

شیخ طوسی نیز در توضیح روایات مربوط به جوانی امام مهدی علیه السلام می‌فرماید؛ با فرض پذیرش روایات، این حالت امام ظاهری خواهد بود و بیان کننده سن واقعی حضرت نیست (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۱۹).^۱

راهکار پرسش دوم (جوان ماندن امام پس از عمر طولانی)
و اما جامعه شیعی که معتقد به تولد امام در قرن سوم هستند و به طور طبیعی منتظر شخص مسنی هستند، برای نجات از این آزمون، علاوه بر اعتقاد به وعده الهی و در نظر داشتن سنت خداوند در آوردن حجج در سنین مختلف و توجه به سن واقعی امام مهدی علیه السلام، بایسته است جهت حل و مرتفع نمودن این مشکل به موارد زیر نیز دقت داشته باشند:

۱. توجه به اطلاع رسانیها و روایات هشداردهنده

تأکید معصومین علیهم السلام بر اطلاع رسانی نسبت به جوان بودن امام علیه السلام در هنگام ظهور که در

۱. فالوجه فیها إن صحت أن نقول إنه يظهر فی صورة شاب من أبناء الأربعين سنة أو ما جانسه، لا أنه يكون عمره كذلك لتسلیم الاخبار.

بیست روایت منعکس شده و در یک روایت این مسئله، به عنوان علامت شناسایی امام زمان ع، قرار داده شده است (صدق، ۱۴۰۵ ق: ۶۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۱۱۷۰-۱۱۷۱) و روایتی دیگری که تصریح می‌کند مهدی موعود ع، علامتش این است که گذر زمان تأثیری بر وی ندارد (صدق، ۱۴۰۵ ق: ۶۵۲) و همچنین روایات هشدار در خصوص تمدّع عمومی؛ همگی آمده‌اند تا از بروز چنین مشکلی لاقل در جامعه شیعی و اسلامی تا حد امکان جلوگیری نمایند و موجبات سربلندی از این امتحان و نجات از این گرفتاری را فراهم آورند.

مرحوم نعمانی نیز توجه به این روایات را به عنوان عامل اصلی نجات از این امتحان معرفی می‌فرمایند (نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ۲۱۹-۲۲۰).^۱

رسالت اصلی پژوهش حاضر نیز برجسته کردن همین هشدار و رسانه‌ای کردن آن است تا علاوه بر دانشمندان حدیثی که این روایات را از نظر گذرانده‌اند؛ عموم جامعه نیز از آن مطلع شوند.

۲. ایمان و باور به قدرت الهی:

برخی از همین روایات هشدار دهنده؛ برای نجات از این امتحان، داشتن ایمان و توجه به قدرت الهی را پیشنهاد می‌کنند:

در نقل شیخ نعمانی و شیخ طوسی، جمله «لا يثبت عليه إلا مؤمن» (نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ۲۱۹-۲۲۰؛ طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۸۲۷) آمده که به نقش ایمان در نجات از این بلیه اشاره دارد.

همچنین در روایت دیگری، مفضل بن عمراز جوان ماندن امام مهدی ع هنگام ظهور تعجب می‌کند، امام صادق ع، برای از بین بردن حالت تعجب وی، اشاره به قدرت خداوند می‌نماید (خصیبی، ۱۴۱۱ ق: ۳۹۶-۳۹۲؛ حلی، ۱۳۷۰ ق: ۱۸۲-۱۷۸).

ابی سعید عقیضاً نقل می‌کند؛ هنگام صلح امام حسن مجتبی ع، مردم به حضور ایشان رسیده و آن حضرت را ملامت کردند، ایشان فرمودند: «... هر کدام از ما از طرف طاغوت زمانش بیعتی برگردن دارد مگر قائمی که عیسیٰ بن مریم ع پشت سرش نماز می‌خواند، خداوند

۱. وفي هذا الحديث عبرة لمعتبر، وذكرى لمتنكر متبصر، وهو قوله: "يخرج إلية شاباً موفقاً، لا يثبت عليه إلا مؤمن قد أخذ الله ميثاقه في الذر الأول ... وثبت عليه من سبقت له من الله الحسنة بما وفقه عليه، وقدمه إليه من العلم بحاله، وأوصله إلى هذه الروايات من قول الصادقين ع فصدقها وعمل بها".

۲. عن المفضل ابن عمر قال: سألت سيدى الصادق ع ... قال المفضل يا سيدى يعود شاباً أو يظهر فى شبنته فقال عليه السلام: سبحان الله وهل يعرف ذلك يظهر كيف شاء وباي صورة شاء إذا جاءه الامر من الله تعالى مجده وجل ذكره. (سنن كذشته از مشکلات دیگر مبتلا به اهمال محمد بن نصر با نصیر است).

ولادتش را مخفی می‌کند و شخصش را غایب می‌نماید تا هنگام خروج بیعت طاغوتی بر گردنش نباشد. او نهمین از نسل برادرم حسین علیه السلام است، فرزند بنوی کنیزان، خداوند عمرش را در غیبتش طولانی می‌کند، سپس با قدرتش او را در صورت جوانی زیر چهل سال ظاهر می‌نماید تا دانسته شود که خداوند بر هر چیزی قدرت دارد.» (صدق، ۳۱۵ - ۳۱۶؛^۱ خزار، ۱۴۰۱ ق: ۲۲۴ - ۲۲۶؛ طبرسی، ۱۳۸۶ ق: ۲، ۹ - ۱۰؛ و ۱۴۱۷ ق: ۲۲۹، ۲ - ۲۳۰؛ إربلی، بی تا: ج ۳، ۳۲۸ - ۳۲۹).^۲

در روایتی که امام سجاد عليه السلام جاری شدن سنت انبیاء عليهم السلام در امام مهدی عليه السلام را بیان می‌کند، جریان سنت طول عمر آدم و نوح عليهم السلام را بیان کرده سپس می‌فرمایند: «خداوند عمرش را در زمان غیبتش طولانی می‌کند و سپس به قدرت خودش او را در صورت جوان زیر چهل سال ظاهر می‌نماید» (حائری، ۱۳۸۵ ق: ج ۲، ۳۹۷ - ۳۹۸).^۳

این قدرت نمایی الهی در جوان نگه داشتن حجت، اختصاص به امام مهدی عليه السلام نداشته و در حضرت یونس و صالح نیزانجام گرفته است:

محمد بن مسلم ثقیلی می‌گوید؛ خدمت امام باقر عليه السلام رسیدم و خواستم در مورد قائم از ایشان سؤال بپرسم، ایشان قبل از پرسش من فرمودند: «ای محمد بن مسلم در قائم آل محمد عليهم السلام شباخت پنج پیامبر است یونس بن متی و ... و اما شباخت به یونس بازگشت از غیبت به صورت جوان پس از گذشت عمر طولانی است.» (صدق، ۳۲۷ - ۳۲۸؛ طوسی، ۱۴۰۵ ق: ۳۲۸ - ۳۲۹؛^۴ طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۲۱؛^۵ نجفی، ۱۴۲۰ ق: ۳۳۰).^۶

۱. عن أبي سعيد عقيصا قال: لما صالح الحسن بن علي عليه السلام معاوية بن أبي سفيان دخل عليه الناس، فلماه بعضهم على بيته، فقال عليه السلام: ... أما علمتم أنه ما من أحد إلا ويقع في عنقه بيعة لطاغية زمانه إلا القائم الذي يصلي روح الله عيسى بن مریم عليه السلام خلفه، فإن الله عزوجل يخفي ولادته، ويغيب شخصه لتلا يكون لأحد في عنقه بيعة إذا خرج، ذلك التاسع من ولد أخي الحسين ابن سيدة الإمامين، يطيل الله عمره في غيابته، ثم يظهره بقدرته في صورة شاب دون أربعين سنة، ذلك ليعلم أن الله على كل شيء قادر. (سند به خاطر وجود حکیم بن صہیب، پدر سدیر، مهمل است.).

۲. قال على بن الحسين عليه السلام: إن في القائم عليه السلام سنة من أبينا آدم، وسنة من نوح، وسنة من إبراهيم، وسنة من موسى: وسنة من عيسى، وسنة من أيوب وسنة من محمد عليه السلام: فاما من آدم ونوح: فطول العمر يطيل الله عمره في غيابته ثم يظهر الله بقدرته في صورة شاب دون أربعين سنة» (مرسله).

۳. «محمد بن مسلم الثقفى الطحان قال: دخلت على أبي جعفر محمد بن على الباقر عليه السلام وأنا أريد أن أسأله عن القائم من آل محمد عليهم السلام، فقال لي مبتدئاً: يا محمد بن مسلم إن في القائم من آل محمد عليهم السلام شبهها من خمسة من الرسل: یونس بن متی، ویوسف بن یعقوب، وموسى، وعیسی، ومحمد، صلوات الله علیهم: . فاما شبهه من یونس بن متی: فرجوعه من غیبته وهو شاب بعد کبر السن» (درسنده اسماعیل بن علی قزوینی (فزاری) است که به خاطر وجود ایشان در اسناد تفسیر قمی مورد اعتماد است. اما علی بن اسماعیل مجھول است).

۴. «أن في صاحب الزمان عليه السلام شبهها من یونس رجوعه من غیبته بشرح الشیاب» (مرسله).

روایت زید شحام از امام صادق علیه السلام در مورد ماجراهی حضرت صالح علیه السلام، غیبت از قوم، بازگشت به صورت جوان و تمدّد قوم و سه دستگی ایشان در ابتدای مقاله گذشت و امام در این روایت می‌فرمایند: «مثل قائم علیه السلام نیز مانند صالح علیه السلام است». (صدقه، ۱۴۰۵ق: ۱۳۷ - ۱۳۶؛ راوندی، ۱۴۱۸ق: ۱۰۰).

مرحوم نعمانی نیز باور به قدرت الهی و توجه به موارد انجام گرفته را یکی از راه‌های نجات از این آزمایش می‌شمرند (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۲۱۹ - ۲۲۰).^۱

۳. اهتمام به عهد و میثاق اطاعت و یاری حجت خدا

در برخی روایات هشداردهنده؛ بیان شده است که تنها کسانی که در عالم ذر، میثاق اطاعت از ائمه علیهم السلام و جان فشانی در راه ایشان را قبول کرده‌اند، می‌توانند در این آزمون سربلند باشند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۰؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۴ - ۱۹۵)؛ این که عالم ذر چیست و این میثاق چگونه گرفته شده است، جای بحث و گفتگو دارد و اجمال آن مورد پذیرش بوده و از چگونگی آن اطلاعات دقیقی در دست نیست (تبریزی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ۴۶۹).^۲ به هر حال این میثاق، همان عهد است که در آن میثاق ربویت باری تعالی و ولایت پیامبران و اوصیاء ایشان گرفته شده است و با توجه به مضمون روایت، شاید بتوان ادعا کرد که کسی که در اطاعت خدا و اولیای او دون همتی نکرده باشد، امید نجات خواهد داشت و در آزمون اطاعت از امام زمان، علیه السلام نیز سربلند بیرون خواهد آمد.

نتیجه‌گیری

ظهور امام زمان علیه السلام با چهره‌ای جوان، حدود سی تا چهل سال، از آزمایش‌های دشوار ابتدای ظهور است که موجب انکار و تمدّد برخی از افراد خواهد شد؛ این تحقیق با بررسی و تحلیل

۱. وفي هذا الحديث عبرة لمعتبر، وذكرى لم تذكر متبرص، وهو قوله: "يخرج إلـيـه شابـاً مـوـفـقاً، ... وـثـبـتـ عـلـيـهـ منـ سـبـقـتـ لهـ منـ اللهـ الحـسـنـىـ بـمـاـ وـفـقـهـ عـلـيـهـ، ... وـتـقـدـمـ عـلـمـهـ بـمـاـ يـأـتـىـ مـنـ أـمـرـ اللهـ وـتـدـبـيرـهـ فـأـرـتـقـبـهـ غـيـرـ شـاكـ وـلـاـ مـرـتـابـ وـلـاـ مـتـحـيرـ، وـلـاـ مـغـتـرـ بـزـخـارـفـ إـبـلـىـسـ وـأـشـيـاعـهـ".

۲. «عن أبي بصير، عن أبي عبدالله علیه السلام أنه قال: لو خرج القائم لقد أنكره الناس، يرجع إليهم شاباً موفقاً، فلا يلبث عليه إلا كل مؤمن أخذ الله ميثاقه في الذر الأول. (حسن بن علي بن أبي حمزة متهم به دروغگوی است. (طوسی، بی تا: ج ۲، ص ۸۲۷)».

۳. عن أبي عبد الله علیه السلام أنه قال: "لو قد قام القائم لأنكره الناس، لأنه يرجع إليهم شاباً موفقاً لا يثبت عليه إلا من قد أخذ الله ميثاقه في الذر الأول. (محمد بن علي كوفي ظاهراً همان ابوسمينة است كه متهم به دروغگوی است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۳۲)».

۴. «الخوئي: نعم صحيح أصله على إجماله وغير معلوم تفصيله».

روایات و تبیین چگونگی آزمایش مردم، به این نتیجه می‌رسد که در این امتحان دو پرسش مهم برای مردم پیش خواهد آمد؛ یکی سؤال از توانایی جوان سی چهل ساله در رهبری و اداره حکومت جهانی و دیگری چگونگی جوانی امام عصر پس از عمر طولانی. آنگاه در راستای بروز رفت از این مشکل و سرافرازی در این امتحان، موارد زیر را پیشنهاد می‌کند:

در پاسخ به پرسش یکم

۱. اعتقاد به وعده الهی؛
۲. توجه به سنت الهی امتحان به حجت در سنین مختلف؛
۳. توجه به شأن و عظمت رهبر الهی؛
۴. توجه به سن واقعی امام مهدی

و در پاسخ به سوال دوم، موارد زیر را نیز ضمیمه می‌نماید:

۱. توجه به اطلاع رسانی‌ها و روایات هشدار دهنده؛
۲. ایمان و باور به قدرت الهی؛
۳. یادآوری عهد میثاق اطاعت از امام؛

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
تهران - ۱۵۰۰۷۶۸

مراجع

- ابن أبي الحديد، (١٣٧٨ق - ١٩٥٩م) *شرح نهج البلاغة* (ج ٦)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء الكتب العربية، أول.
- ابن أثير، (١٣٦٤ق)، *النهاية في غريب الحديث*، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي، محمود محمد الطناحي، إسماعيليان، قم، چهارم.
- — (بـ تـ)، *أسد الغابة*، دار الكتاب العربي - انتشارات إسماعيليان، بيروت - تهران.
- ابن بابويه، أبي الحسن على بن حسين بن بابويه قمي والد شيخ صدوق، (١٤٠٤ق - ١٣٦٣ش)، *الإمامية والتبصرة*، مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، قم، أول.
- ابن حجر، شهاب الدين أبي الفضل أحمد بن على بن حجر العسقلاني، (١٩٧١م - ١٣٩٠ق)، *لسان الميزان*، منشورات مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، بيروت، دوم.
- ابن فارس، أبو الحسين أحمد بن فارس ذكريـا، (١٤٠٤ق)، *معجم مقاييس اللغة*، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، مكتبة الإعلام الإسلامي.
- ابن ماجة، محمد بن يزيد قزويني، (بـ تـ)، *سنن ابن ماجة*، تحقيق وترقيم وتعليق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر.
- ابن منظور، (١٤٠٥ق)، *لسان العرب*، نشر أدب حوزة، قم، محرم.
- أبو القاسم كوفي، (بـ تـ)، *الاستغاثة*، بـ نـ، بـ جـ.
- أبي نعيم أصبهانـي، (بـ تـ)، *الأربعون حديثاً في المهدـي*، تحقيق: على جلال باقر.
- احمد بن حنبل، (بـ تـ)، *مسند احمد*، دار صادر، بيروت.
- إربـلـيـ، ابن أبي الفتـحـ، (بـ تـ)، *كشف الغـمةـ*، دار الأضـواءـ، بيـرـوـتـ.
- بـسـتـوـيـ، دـكـتـرـ عـبـدـ الـعـلـيـمـ عـبـدـ الـعـظـيـمـ، (١٤٢٠م - ١٩٩٩م) *موسـوعـةـ فـيـ أحـادـيـثـ الإـمـامـ الـمـهـدـيـ*، *الـضـعـيـفـةـ وـالـمـوـضـعـةـ*، المـكـتـبـةـ الـمـكـيـةـ، دـارـ اـبـنـ حـزـمـ، مـكـةـ الـمـكـرـمـةـ، بـيـرـوـتـ.
- بـيـهـقـيـ، (بـ تـ)، *الـسـنـنـ الـكـبـرـيـ*، دـارـ الـفـكـرـ.
- تـبـرـيـزـيـ، مـيرـزاـ جـوـادـ، (جـمـادـيـ الـأـوـلـيـ ١٤١٦قـ)، *صـرـةـ النـجـاةـ فـيـ أـجـوـيـةـ الـاسـتـفـتـاءـاتـ لـسـمـاحـةـ آـيـةـ اللهـ الـعـظـيـمـ*، *الـسـيـدـ أـبـوـ القـاسـمـ الـمـوسـوـيـ الـخـوـئـيـ* (قـدـسـ سـرـهـ) معـ تـعـلـيـقـاتـ وـمـاحـقـ لـسـمـاحـةـ آـيـةـ اللهـ الـعـظـيـمـ *الـمـيـرـزاـ الشـيـخـ جـوـادـ تـبـرـيـزـيـ*، دـفـتـرـ نـشـرـ بـرـگـرـیدـهـ، أولـ.
- تـرمـذـيـ، (١٤٠٣ق - ١٩٨٣م)، *سنـنـ التـرمـذـيـ وـهـوـجـامـعـ الصـحـيـحـ*، تحقيق وـتصـحـيـحـ: عبد الرحمن محمد عثمانـ، دـارـ الـفـكـرـ، بـيـرـوـتـ، دـوـمـ.
- جـوـهـرـيـ، (١٤٠٧ـ ١٩٨٧ـ مـ)، *الـصـحـاحـ*، تحقيق: أـحـمـدـ عـبـدـ الـغـفـورـ الـعـطـارـ، دـارـ الـعـلـمـ الـمـلـاـيـنـ،

- بیروت، چهارم.
- حائری، محمد مهدی، (محرم الحرام ۱۳۸۵ق)، شجرة طوبی، مکتبة حیدریة، نجف أشرف، پنجم.
- حسين بن عبد الوهاب، (۱۳۶۹ق)، عيون المعجزات، تحقيق: محمد کاظم الشیخ صادق الکتبی، حیدریة، نجف.
- حلی، حسن بن سلیمان، (۱۳۷۰م)، مختصر بصائر الدرجات، المطبعة الحیدریة - نجف اشرف، انتشارات الرسول المصطفی ﷺ - قم، اول.
- حمیری، قمی، (۱۴۱۳ق)، قرب الاستناد، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، اول.
- خازار، قمی، (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر، سید عبد اللطیف حسینی کوهکمری خوئی، انتشارات بیدار، قم.
- خصیبی، حسین بن حمدان، (۱۴۱۱م - ۱۹۹۱م)، الهدایة الکبری، مؤسسة البلاغ، بیروت، چهارم.
- خلیل الفراهیدی، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، تحقيق: مهدی مخزومی، إبراهیم سامرائی، مؤسسه دار الهجرة، دوم.
- خوئی، سید أبو القاسم موسوی، (۱۴۱۳ق - ۱۹۹۲م)، معجم رجال الحديث وتفصیل طبقات الرواۃ، بی نا، بی جا، پنجم.
- الدانی، ابو عمرو عثمان بن سعید المقری، (۱۴۱۶ق)، السنن الواردة فی الفتن وغوانها وال ساعه وأشاراتها، تحقيق: د. ضاء الله بن محمد إدريس المبارکفوری، دار العاصمه، ریاض، اول.
- دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، الشریف الرضی، قم، اول.
- ذهبی، (۱۴۰۷ق - ۱۹۸۷م)، تاریخ الإسلام، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمیری، دار الكتاب العربي، بیروت، اول.
- راوندی، قطب الدین، (۱۴۱۸ق - ۱۳۷۶ش)، تصحیص الأنبياء، میرزا غلام رضا عرفانیان یزدی خراسانی، مؤسسه الہادی، اول.
- ————— (ذی الحجه ۱۴۰۹ق)، الخرائج والجرائم، مؤسسة الإمام المهدي علیهم السلام، قم، اول.
- زبیدی، (۱۴۱۴ق - ۱۹۹۴م)، تاج العروس، تحقيق: علی شیری، دار الفكر، بیروت.
- زکلی، (۱۴۱۰ق - ۱۹۸۰م)، خیر الدین، الأعلام، دار العلم للملايين، بیروت، پنجم.

- سيوطى، جلال الدين، *لب اللباب فى تحرير الأنساب*، دار صادر، بيروت، بي تا.
- شريف مرتضى، (١٤١٠ق) *الشافى فى الإمامة*، تحقيق وتعليق از سيد عبد الزهراء حسينى، مؤسسة الصادق عليه السلام، تهران، دوم،
- صدوق، أبي جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمي، (ذى القعدة الحرام ١٤٠٣ - ١٣٦٢ش) *الخصال*، تصحيح وتعليق: على أكبر غفارى، جامعه مدرسین، قم.
- (محرم الحرام ١٤٠٥ - ١٣٦٣ش) *كمال الدين ونمام النعمة*، تصحيح وتعليق: على أكبر غفارى، مؤسسة نشر إسلامى (جامعة مدرسین)، قم.
- صفار، محمد بن حسن، (١٤٠٤ق - ١٣٦٢ش)، *بصائر الدرجات*، تصحيح وتعليق وتقديم: حاج ميرزا حسن كوچه باغي، منشورات أعلمى، تهران.
- طبرانى، (١٤٠٥-١٩٨٥م) ، *المعجم الكبير*، تحقيق وتخریج: حمدی عبد المجید السلفی، دار إحياء التراث العربي، بيروت، دوم.
- طبرسى، أبي منصور أحمد بن على بن أبي طالب الطبرسى، (١٣٨٦ - ١٩٦٦م)، *الاحتجاج*، تعليق وملحوظات: السيد محمد باقر الخرسان، دار النعمان، نجف أشرف.
- (ربيع الأول ١٤١٧ق)، *إعلام السوري* *بأعلام الهدى*، مؤسسة آل البيت عليهما السلام، قم، اول.
- طبرى، ابن جریر، (١٤١٥ق - ١٩٩٥م)، *جامع البيان*، تقديم : الشیخ خلیل المیس / ضبط وتوثیق وتخریج: صدقی جمیل العطار، دار الفکر، بیروت.
- طبرى، محمد بن جریر(شیعی)، (١٤١٣ق)، *دلائل الإمامة*، مؤسسة بعثة، قم، اول.
- طریحی، (١٤٠٨ - ١٣٦٧ش)، *مجمع البحرين*، تحقيق: سید احمد حسینی، مکتب النشر الثقافية الإسلامية، دوم.
- طوسى، شیخ الطائفه أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسى، (بی تا)، اختیار معرفة الرجال، المعروف برجال الكشی، تصحيح وتعليق: میرداماد الأسترابادی / تحقيق : السید مهدی الرجائی، مؤسسة آل البيت عليهما السلام لإحياء التراث.
- (رمضان المبارک ١٤١٥ق)، *رجال الطوسى*، تحقيق جواد قیومی اصفهانی، مؤسسة نشر إسلامی، قم.
- (شعبان ١٤١١ق) *الغيبة*، تحقيق: عباد الله تهرانی، على احمد ناصح، مؤسسة معارف إسلامی، قم، اول.

- عبد الرزاق صناعي، (بى تا)، **المصنف**، تحقيق وتخریج وتعليق : حبيب الرحمن أعظمى، منشورات المجلس العلمي، بي جا.
- عینی، (بى تا)، **عملة القارى**، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- فتال نيشابوری، (بى تا) **روضۃ الوعظین**، تقديم : سید محمد مهدی حسن الخرسان، منشورات شریف رضی، قم.
- فیروزآبادی، (بى تا) **القاموس المحيط**، بي جا.
- قاضی نعمان مغربی، (بى تا) **شرح الأخبار**، تحقيق: سید محمد حسینی جلالی، مؤسسة نشر إسلامی جامعة مدرسین، قم.
- قندوزی، (١٤١٦ق)، **ینایع المودة لذوى القری**، سید علی جمال أشرف حسینی، اسوه، اول.
- کلینی، ثقة الاسلام أبی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق الكلینی الرازی، (١٣٦٣ش)، **الکافی**، تصحیح وتعليق: علی أكبر غفاری، دار الكتب الإسلامية، تهران، پنجم.
- کورانی، علی کورانی عاملی، (١٤١١ق)، **معجم أحادیث الإمام المهدي**، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، اول.
- مازندرانی، مولی محمد صالح، (١٤٢١ق - ٢٠٠٠م)، **شرح أصول کافی**، ضبط وتصحیح : سید علی عاشور، دار إحياء التراث العربي، بيروت، اول.
- مجلسی، محمد باقر، (١٤٠٣ - ١٩٨٣م) **بحار الأنوار**(مجلدات ٢٧ - ٥١ - ٥٢ - ٥٣)، تحقيق: محمد باقر بهبودی، دار إحياء التراث العربي، بيروت، سوم.
- مفید، أبی عبدالله محمد بن النعمان العکبری البغدادی، (١٤١٤ق - ١٩٩٣م)، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، دار المفید، بيروت، دوم.
- مقدسی، مرغی بن یوسف مقدسی حنبلی، (١٤٢٤ق) **فرائد فوائد الفكر فی الإمام المهدي المنتظر**، دار الكتب الاسلامی، قم، اول.
- مقدسی، یوسف بن یحیی شافعی سلمی، (١٤١٦ق) **عقد الدرر فی أخبار المنتظر**، تحقيق: عبد الفتاح محمد الحلو، انتشارات مسجد مقدس جمکران (نصایح)، قم، اول.
- نجاشی، أبو العباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس النجاشی الأسدی الكوفی، (١٤١٦ق)، **نھرست أسماء مصنفو الشیعة المشتهرب رجال النجاشی**، تحقيق: سید موسی شبیری زنجانی، مؤسسة نشر اسلامی، قم، پنجم.
- نجفی، سید بهاء الدین، (ذیقعدة ١٤٢٠ق - ١٣٧٨ش)، **منتخب الأنوار المضيئة**، مؤسسة إمام هادی علیهم السلام، قم، اول.

- نعmani، محمد بن إبراهيم، (١٤٢٢ق)، كتاب الغيبة، تحقيق: فارس حسون كريم، أنوار الهدى، قم، اول.
- نعيم بن حماد، مروزى، (١٤١٤ق-١٩٩٣م)، كتاب الفتنة، تحقيق وتقديم : الدكتور سهيل زكار، دار الفكر، بيروت.
- نوبختى، حسن بن موسى، (١٣٨٨ق-١٩٦٩م)، فرق الشيعة، تعليق: سيد صادق بحر العلوم، حيدرية، نجف اشرف.
- نورى، ميرزا حسين، (ربيع الثانى ١٤١٦ق)، خاتمة المستدرك ، مؤسسة آل البيت، قم، اول.
- هيتمى، (١٤٠٨ق-١٩٨٨م)، مجمع الزوائد، دار الكتب العلمية، بيروت.

